

Explanation of Psychological Vulnerability Based on the Attachment Styles in Students of Mixed-state Universities of Tehran

Mehrangiz Peivastegar. Ph.D.

University of Alzahra

Mohammadali Besharat. Ph.D.

University of Tehran

Shima Pajouhinia. M.A.

University of Alzahra

Mohammadyasin Seifi .M.A.

University of Payame Noor, Borujen Branch

تبیین آسیب‌پذیری‌های روانی براساس سبک‌های دلبستگی در دانشجویان دانشگاه‌های مختلط دولتی تهران

مهرانگیز پیوسته‌گر

دانشگاه الزهراء (س)

محمدعلی بشارت

دانشگاه تهران

شیمای پژوهی‌نیا*

کارشناس ارشد دانشگاه الزهراء(س)

محمدیاسین سیفی

دانشگاه پیام نور، واحد بروجن

Abstract

The purpose of this study was to explain psychological vulnerability to Aggression, Interpersonal sensitivity, Psychotics and Paranoid based on attachment styles in students of mixed-state universities of Tehran. The statistical population comprised of all students at mixed-state universities in Tehran (in the 87-88 school year), by Using random multiple cluster sampling method, Cochran formula, 384 male and female students were selected and completed. The Adult Attachment Inventory (AAI) (Besharat, 1379) and the Symptom Checklist-90-Revised (SCL-90-R) (Deragotis, 1983). Data were analyzed by using SPSS statistical software, Pearson correlation coefficients and simultaneous regression analysis. Analysis of the data revealed that secure attachment style with psychological vulnerabilities has negative significant correlation and avoidant and ambivalent attachment styles with psychological vulnerabilities have positive significant correlation ($P < 0.0001$). Moreover, attachment styles specially secure and ambivalent styles can explain psychological vulnerabilities in different kinds and levels.

Key words: psychological vulnerability, gender, attachment

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تبیین آسیب‌پذیری‌های روانی دانشجویان دانشگاه‌های مختلط دولتی شهر تهران نسبت به پرخاشگری، حساسیت در روابط بین‌فردی، روان‌پریشی و تصورات پارانوئیدی براساس سبک‌های دلبستگی بود. جامعه آماری پژوهش همه دانشجویان دانشگاه‌های مختلط دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ دانشجوی دختر و پسر انتخاب شدند و مقیاس دلبستگی بزرگسال (AAI) (بشارت، ۱۳۷۹) را همراه با پرسشنامه‌ی علائم ۹۰ سؤالی تجدید نظر شده (SCL-90-R) (دراگوتیس، ۱۹۸۳) به صورت گروهی تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و با روش‌های همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیره به روش همزمان تحلیل گردید. تحلیل‌ها نشان داد، سبک دلبستگی ایمن با آسیب‌پذیری روانی، همبستگی مثبت و سبک‌های اجتنابی و دوسوگرا همبستگی منفی دارند ($P < 0.0001$). همچنین سبک‌های دلبستگی به‌ویژه سبک‌های دوسوگرا و ایمن می‌توانند آسیب‌پذیری روانی را در ابعاد و به درجات مختلف تبیین نمایند. **واژه‌های کلیدی:** آسیب‌پذیری روانی، جنسیت، سبک‌های دلبستگی

مقدمه

دو مفهوم آسیب‌پذیری و آسیب‌ناپذیری همواره برای تجسم بخشیدن به مفهوم رشد آسیب‌های روانی به‌کار رفته‌اند. مقصود از آسیب‌پذیری، احتمال بروز پاسخ ناسازگارانه در موقعیت‌های معین است (گارمزی^۱، ۱۹۸۳). «عوامل خطر^۲» شخصی و محیطی احتمال پیدایش بیماری یا اختلال را بالا می‌برند (راتر^۳، ۱۹۹۹). راتر (۱۹۹۹) بر طبیعت تعاملی عوامل خطر و محافظ و آسیب‌پذیری و بهبودپذیری تأکید می‌کند. او معتقد است که عوامل شخصی از نظر ویژگی‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی قابل بررسی است و عوامل محیطی ضوابط محیط روانی-اجتماعی کودک مانند خانواده، مدرسه و گروه همسالان را در برمی‌گیرد. افزون بر ویژگی‌های شخصی، انواع عوامل محیطی نیز می‌توانند کودکان را در برابر مشکلات روان‌شناختی آسیب‌پذیر سازند و نقش معناداری را در تداوم این مشکلات ایفا کنند. تحقیقات نشان داده‌اند که ۵۰ درصد از واریانس اغلب ویژگی‌های روان‌شناختی براساس عوامل محیطی پیش‌بینی می‌شوند و از بین مهمترین این عوامل می‌توان به ویژگی‌های هنجاری روان‌شناختی والد - کودک، مشکلات متداول زندگی خانوادگی و تنیدگی‌های خاص اشاره کرد (راتر، ۱۹۹۹).

بنابراین کیفیت رابطه کودک یا نوزاد با مراقبان اولیه زندگی او که با ایمنی و دلبستگی^۴ مشخص می‌شود، از عوامل مهم سلامت روانی در طول زندگی است و کیفیت این دلبستگی به گونه‌ای معنادار بر سلامت روان‌شناختی وی مؤثر است (اینسورث، بلهر، واترز و وال^۵، ۱۹۷۸؛ به نقل از ون دن درایز، جافر، ایزندورن و بکرمن^۶، ۲۰۰۹). دلبستگی پیوند عاطفی نسبتاً پایداری است که بین کودک و یا تعداد بیشتری از افرادی که نوزاد در تعامل منظم دایمی با آنهاست، ایجاد می‌شود. رفتارهای دلبستگی با ترس، تهدید، بیماری یا خستگی راه‌اندازی می‌شوند و به‌عنوان هر نوع رفتاری که نتیجه آن

باز یافتن یا حفظ تماس با نگاره دلبستگی^۷ است، تعریف شده‌اند (بالبی^۸، ۱۹۷۳). به دنبال پژوهش‌های بالبی، اینسورث و همکاران (۱۹۷۸؛ به نقل از ون دن درایز و همکاران، ۲۰۰۹) سه سبک دلبستگی ایمن^۹، دلبستگی نایمن اجتنابی^{۱۰} و دلبستگی نایمن دوسوگرا^{۱۱} تشخیص داده شد. دلبستگی ایمن با ویژگی‌های ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و خرسندی، دلبستگی اجتنابی با سطوح پایین‌تری از صمیمیت و تعهد و دلبستگی دوسوگرا با شور و هیجان و دلمشغولی در مورد روابط همراه با خرسندی کم، مرتبط است. اینسورث این ۳ سبک دلبستگی مادر-کودک را جهانشمول دانسته است (اینسورث، ۱۹۷۸؛ به نقل از مورلی و موران^{۱۲}، ۲۰۱۱).

سبک‌های دلبستگی افراد تعیین‌کننده اصول عاطفی، شناختی و راهبردهایی است که واکنش‌های هیجانی را در افراد و روابط بین شخصی هدایت می‌کند (کولین^{۱۳}، ۱۹۹۶؛ شیور، شاختر و میکولینسر^{۱۴}، ۲۰۰۵). انتظارات کودک درباره حساسیت^{۱۵}، در دسترس بودن^{۱۶} و پاسخگو بودن^{۱۷} مراقب اولیه به شکل‌گیری تفاوت‌هایی در نوع دلبستگی نوزاد به مراقب منجر می‌گردد و به واسطه این عوامل کودک به تدریج الگوهایی از خود و دیگران را درون‌سازی می‌کند که در دیدگاه دلبستگی به آنها الگوهای درونکاری^{۱۸} می‌گویند (فینی و نولر^{۱۹}، ۱۹۹۶؛ به نقل از مرز و کنسیدین^{۲۰}، ۲۰۰۹). به کمک همین الگوهاست که شخص وقایع را درک و تفسیر، حوادث را پیش‌بینی و طرح‌هایی را بنا می‌کند. این سازه‌های شناختی نماینده‌های «خود^{۲۱}» و «دیگری^{۲۲}» در ارتباطات محسوب می‌شوند که در ابتدا ناهشیارند و سپس به آینده منتقل می‌شوند و در روابط بعدی فرد با دیگران تأثیر می‌گذارند (کولینز^{۲۳}، ۱۹۹۶؛ به نقل از مورلی و موران، ۲۰۱۱). به عقیده بالبی (۱۹۷۳؛ به نقل از کميجانی، ۱۳۸۸) بسیاری از اشکال روان‌آزردگی‌ها و اختلال‌های شخصیت نتیجه محرومیت کودک از مراقبت مادرانه و یا بی‌ثباتی رابطه کودک با چهره دلبستگی

- | | |
|-------------------------------------|--|
| 1. Garnezy | 2. risk factors |
| 3. Rutter | 4. attachment |
| 5. Ainsworth, Blehar, Waters & Wall | 6. Van den Dries, Juffer, Ijzendoorn & Bakermans |
| 7. attachment figure | 8. Bowlby |
| 9. Secure attachment style | 10. avoidant |
| 11. ambivalent | 12. Morley & Moran |
| 13. Collin | 14. Shaver, Schachner & Mikulinser |
| 15. sensitivity | 16. accessibility |
| 17. responsiveness | 18. internal working models |
| 19. Feeney & Noller | 20. Merz & Considine |
| 21. model of self | 22. model of others |
| 23. Collins | |

فینسی، دوناتی، دونینی، نوولا و بگناتو^{۱۲}، ۲۰۰۳) علایم روان‌پریشی^{۱۳} و پارانوئیا^{۱۴} (بری، باروکلو و وردن^{۱۵}، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸؛ کوور، میجر و هان، ۲۰۱۰) مرتبط هستند.

نتایج پژوهش بشارت، گلی‌نژاد و احمدی (۱۳۸۲) نیز نشان داد که آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ایمن نسبت به آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی نایمن، مشکلات بین‌فردی کمتری داشتند.

شناسایی پیش‌بینی‌کننده‌های آسیب‌پذیری روانی در جامعه امری ضروری است. موضوع دلبستگی در متون علمی جهان روان‌شناسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در بسیاری موارد، الگوی دلبستگی نایمن مرتبط با بسیاری از اختلالات روان‌شناختی قلمداد می‌گردد. متأسفانه علی‌رغم اهمیت تأثیر سبک‌های نایمن دلبستگی در پدیدآیی و حفظ آسیب‌پذیری‌های روانی، کیفیت این رابطه کمتر مورد بررسی پژوهشگران ایرانی قرار گرفته است. بر این مبنا هدف اصلی این پژوهش تبیین آسیب‌پذیری‌های روانی (پرخاشگری، حساسیت در روابط بین‌فردی، روان‌پریشی و تصورات پارانوئیدی) براساس سبک‌های دلبستگی و جنسیت است. در راستای بررسی این هدف، فرضیه‌ها و پرسش زیر مطرح گردید: ۱- بین سبک دلبستگی ایمن با آسیب‌پذیری‌های روانی همبستگی منفی وجود دارد؛ ۲- بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا با آسیب‌پذیری‌های روانی همبستگی مثبت وجود دارد؛ ۳- براساس سبک‌های دلبستگی می‌توان آسیب‌پذیری‌های روانی را پیش‌بینی نمود؛ آیا رابطه سبک‌های دلبستگی و آسیب‌پذیری روانی برحسب جنسیت متفاوت است؟

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: از آنجا که در پژوهش حاضر، مداخله و یا دستکاری آزمایشی صورت نگرفته است، طرح پژوهشی در زمره طرح‌های توصیفی از نوع همبستگی

است. وی به وضوح پیش‌بینی کرده است که مختل شدن رابطه دلبستگی با ایجاد اضطراب منتشر و بی‌اعتمادی در کودک به اختلالات روان‌شناختی منجر خواهد شد.

براساس این نظریه زمانی که کودک تجسم‌های منفی از خود و دیگران را شکل می‌دهد یا زمانی که راهبردهای غیرواقع‌بینانه‌ای را برای پردازش افکار و احساسات مربوط به دلبستگی اتخاذ می‌کند، در مقابل آسیب‌های روانی آسیب‌پذیرتر می‌شود (کسیدی^۱، ۱۹۹۹). بنابراین سبک دلبستگی را می‌توان به‌عنوان یک عامل خطر به‌منظور آسیب‌شناسی روانی بعدی در نظر گرفت (میکولینسر، هورش، ایلاتی و کتلر^۲، ۱۹۹۹).

پژوهش‌های متعدد، رابطه بین دلبستگی و آسیب‌شناسی روانی در دوران کودکی، نوجوانی و بزرگسالی را بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش‌ها به‌طور کلی نشان‌دهنده اهمیت انکارناپذیر دلبستگی به‌عنوان یک عامل اساسی در سلامت روانی افراد است (کارلسون^۳، ۱۹۸۸؛ فوناگی^۴، ۱۹۹۵؛ مین^۵، ۱۹۹۶؛ وارن^۶، ۱۹۹۷؛ به نقل از کسیدی، ۱۹۹۹؛ ازتورک و موتلو^۷، ۲۰۱۰؛ لیو، ناگاتا، شنو و کیتامورا^۸، ۲۰۰۹). یافته‌های بررسی بارتولومئو و هورویتز^۹ (۱۹۹۱)، برنت^{۱۰}، میکولینسر و شیور (۲۰۰۱ و ۲۰۰۸)، گرلسما و لوتین^{۱۱} (۲۰۰۰)، بروماریو و کرنز^{۱۲} (۲۰۰۸)، نافتل^{۱۳} و شیور^{۱۴} (۲۰۰۶)، وینگاردز، استروب. ام، اسکات، استروب و دیکسترا^{۱۵} (۲۰۰۷)، کوور، میجر و هان^{۱۶} (۲۰۱۰)، مورلی و موران (۲۰۱۱)، نیز سبک‌های دلبستگی نایمن را به‌عنوان یک عامل آسیب‌پذیری تأیید کرده‌اند. برای مثال سبک‌های دلبستگی با چندین متغیر از جمله عزت نفس و اختلال در روابط بین فردی (هورویتز، روزنبرگ^{۱۷}، بارتولومئو، ۱۹۹۳)، خشم و خصومت (موریس، مسترز، مورن و مورمن^{۱۸}، ۲۰۰۴)، اضطراب (ماناسیس، برادلی، گلدبرگ، هوود و سویسون^{۱۹}، ۱۹۹۴؛ موریس، مسترز، ملیک و زوامبگ^{۲۰}، ۲۰۰۱)، افسردگی (بسر و پریل^{۲۱}، ۲۰۰۵؛ سوچس و سالتا^{۲۲}، ۲۰۰۸؛ لیو و همکاران، ۲۰۰۹)، اختلالات شخصیت (فوساتی،

1. Cassidy
2. Mikulincer, Horesh, Eilati & Kotler
3. Carlson
4. Fonagy
5. Main
6. Warren
7. Ozturk & Mutlu
8. Liu, Nagata, Shono, & Kitamura
9. Bartholomew & Horowitz
10. Berant
11. Gerslma & Luteijn
12. Brumariu & Kerns
13. Noftle
14. Wijngaards, Stroebe, schut, Stroebe & Dijkstra
15. Korver, Meijer & Haan
16. Rosenberg
17. Muris, Meesters, Morren & Moorman
18. Manassis, Bradley, Goldberg, Hood & Swenson
19. Melick & Zwambag
20. Besser & Periel
21. Sochos & Tsalta
22. Fossati, Feeney, Donati, Donini, Novella & Bagnato
23. psychotic symptoms
24. paranoia
25. Berry, Barrowclough & Wearden

قرار می‌گیرد. متغیرهای مورد مطالعه، سبک‌های دلبستگی و آسیب‌پذیری‌های روانی هستند.

جامعه آماری این پژوهش همه دانشجویان دختر و پسر در مقاطع مختلف دانشگاه‌های مختلط دولتی واقع در شهر تهران بود که در سال ۸۸-۸۷ مشغول به تحصیل بودند. با مراجعه به مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تعداد آنها ۱۳۵۲۳۳ نفر برآورد شد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شده است. تعداد نمونه ۳۸۴ نفر (۱۹۲ دختر و ۱۹۲ پسر) بود که با استفاده از فرمول کوکران به دست آمد. در ابتدا به صورت تصادفی از بین گروه‌های تحصیلی در دانشگاه‌ها ۴ گروه علوم انسانی، فنی، هنر و علوم پزشکی انتخاب شدند و سپس از بین دانشگاه‌هایی که رشته‌های مربوط به هر یک از گروه‌ها در آنها تدریس می‌شد، برای هر کدام از گروه‌ها دو دانشگاه (در مجموع ۸ دانشگاه) به صورت تصادفی انتخاب شد. از هر دانشگاه نیز دو دانشکده به صورت تصادفی انتخاب و سپس از هر دانشکده افراد نمونه به تعداد مساوی و به صورت تصادفی انتخاب گردیدند.

ابزار سنجش

مقیاس دلبستگی بزرگسال (AAI): سبک دلبستگی آزمودنی‌ها در این پژوهش با استفاده از مقیاس دلبستگی بزرگسال (بشارت، ۱۳۷۹) تعیین شد. این مقیاس که با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازن و شیور^۱ (۱۹۸۷) ساخته شده و در مورد دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است، یک پرسشنامه دو قسمتی است. در قسمت اول سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا بر حسب ۲۱ سؤال در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (هیچ=۱؛ کم=۲؛ متوسط=۳؛ زیاد=۴؛ خیلی زیاد=۵) از هم متمایز می‌شوند. بالاترین امتیاز در این قسمت سبک دلبستگی عمومی فرد را تعیین می‌کند. ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌های هر یک از زیرمقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی ($n=240$) برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۲، ۰/۷۲؛ و برای دانشجویان دختر ۰/۷۴، ۰/۷۱، ۰/۶۹ و برای دانشجویان پسر ۰/۷۳، ۰/۷۱، ۰/۷۲ بود که نشان‌دهنده همسانی درونی بالای مقیاس دلبستگی بزرگسال است. در قسمت دوم این مقیاس،

به افراد خاص شامل پدر، مادر و دوست مشخص می‌شود. در این پژوهش از قسمت نخست آن برای تعیین سبک دلبستگی عمومی فرد استفاده گردید. ضرایب همبستگی بین نمره‌های آزمودنی‌ها در دو قسمت مقیاس برای آزمودنی‌های دختر و پسر به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۷ بوده است. ضریب پایایی بازآزمایی مقیاس دلبستگی بزرگسال برای یک نمونه ۳۰ نفری در دو نوبت با فاصله دو هفته برای کل آزمودنی‌ها $r=0/92$ ؛ آزمودنی‌های پسر $r=0/93$ و آزمودنی‌های دختر $r=0/90$ محاسبه شد که نشان‌دهنده پایایی بازآزمایی^۳ رضایت‌بخش برای این مقیاس است. روایی محتوایی^۴ این مقیاس با سنجش همبستگی بین نمره‌های چهار نفر از متخصصان روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت که ضرایب همبستگی از ۰/۷۳ تا ۰/۷۶ برای سبک دلبستگی اجتنابی و از ۰/۶۳ تا ۰/۷۸ برای سبک دلبستگی دوسوگرا به دست آمد که همگی در سطح $\alpha=0/01$ معنادار بودند. روایی همزمان^۵ مقیاس دلبستگی بزرگسال با مقیاس^۶ نتایج آزمون عزت نفس کوپراسمیت^۱ (۱۹۶۷) بررسی شد. ضرایب همبستگی بین نمره کلی آزمودنی‌ها در آزمون عزت نفس با سبک دلبستگی نشان‌دهنده همبستگی مثبت میان سبک دلبستگی ایمن با عزت نفس عمومی ($r=0/39$)، عزت نفس تحصیلی ($r=0/39$)، عزت نفس خانوادگی ($r=0/39$) و عزت نفس اجتماعی ($r=0/41$) بود (بشارت، ۱۳۷۹). یک نمونه از پرسش‌های پرسشنامه به این شرح است: «غالباً نگرانم که نکنند دیگران واقعاً مرا دوست نداشته باشند».

پرسشنامه‌ی علائم SCL-90-R: این پرسشنامه ۹۰ سؤال دارد که میزان آسیب‌دیدگی فرد را در ۹ حیطه روانی مشخص می‌کند. این حیطه‌ها عبارت‌اند از: پرخاشگری، اضطراب، وسواس، حساسیت در روابط بین‌فردی، شکایات جسمانی، روان‌پریشی، تصورات پارانوئیدی، افسردگی و ترس مرضی. پاسخ‌های ارائه شده به هر یک از مواد آزمون، در یک مقیاس پنج‌درجه‌ای (هیچ=۰؛ کمی=۱؛ تاحدی=۲؛ زیاد=۳ و بسیار زیاد=۴) قرار می‌گیرد. از پاسخ‌های فرد به این مقیاس سه نمره متفاوت یعنی معیار کلی علائم مرضی^۸ (GSI)، جمع علائم مرضی^۹ (PST) و معیار ضریب ناراحتی^{۱۰} (PSDI) به دست خواهد آمد (حسن‌شاهی، ۱۳۸۲). مدت زمان اجرای آزمون در حدود ۱۲ تا ۱۵ دقیقه است؛ گرچه برخی افراد ممکن است آن

1. Adult Attachment Inventory
3. test-retest reliability
5. concurrent validity
7. Symptom Checklist-90-Revised
9. Positive Symptom Total

2. Hazan & Shaver
4. content validity
6. coopersmith Self-Esteem Inventory
8. Global Severity Index
10. Positive Symptom Distress Index

پژوهش مبنی بر اینکه «آیا رابطه سبک‌های دلبستگی و آسیب‌پذیری روانی برحسب جنسیت متفاوت است؟» از تحلیل رگرسیون چندمتغیره (به روش همزمان) استفاده شد. به عبارتی جنسیت به صورت صفر و یک، یعنی زن بودن یا نبودن کدگذاری شد.

یافته‌ها

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار نمرات خام ابعاد مورد بررسی مقیاس SCL-90-R و سبک‌های دلبستگی را به تفکیک جنسیت گزارش می‌کند.

جدول ۱- داده‌های توصیفی مربوط به نمرات گروه نمونه در ابعاد مورد بررسی به تفکیک جنسیت

متغیرها	جنسیت	میانگین	انحراف معیار
پرخاشگری	زن	۵/۱۴	۴/۹۸
	مرد	۵/۵۲	۵/۱۴
	کل	۵/۳۳	۵/۱۰
حساسیت بین فردی	زن	۹/۷۶	۶/۸۸
	مرد	۹/۰۴	۵/۲۸
	کل	۹/۴۰	۷/۱۰
روان‌پریشی	زن	۸/۴۵	۷/۴۹
	مرد	۹/۳۲	۷/۷۴
	کل	۸/۸۹	۷/۶۲
تصورات پارانوئیدی	زن	۸/۳۵	۵/۴۸
	مرد	۷/۹۵	۵/۱۱
	کل	۸/۱۵	۵/۳۰
ایمن	زن	۱۴/۴۱	۲/۳۶
	مرد	۱۵/۷۰	۲/۵۴
	کل	۱۴/۷۴	۲/۴۷
اجتنابی	زن	۱۲/۷۱	۳/۲۵
	مرد	۱۲/۶۵	۳/۳۱
	کل	۱۲/۵۳	۳/۲۸
دوسوگرا	زن	۱۳/۳۴	۳/۴۲
	مرد	۱۳/۴۸	۳/۶۴
	کل	۱۳/۴۱	۳/۵۳

SCL-90-R

سبک‌های دلبستگی

را در ۳۰ دقیقه و یا کمی بیشتر تکمیل نمایند. در آگوتیس^۱ (۱۹۸۳) برای سنجش پایایی ابعاد نه‌گانه این آزمون از دو روش محاسبه «پایایی درونی»^۲ و «پایایی بازآزمایی» استفاده کرده است. پایایی درونی SCL-90-R برای ۹ محور رضایت‌بخش است و بیشترین همبستگی مربوط به افسردگی با ۰/۹۰ و کمترین آنها مربوط به روان‌پریشی با ۰/۷۷ بوده است. وی نتایج حاصل از بررسی روایی همزمان SCL-90-R و MMPI^۳ را نیز ارائه کرده است. براساس این بررسی همبستگی بین نتایج، دلالت بر همگرایی بالا بین این دو آزمون دارد. بالاترین همبستگی مربوط به ملاک افسردگی با ۰/۷۳ و کمترین همبستگی، مربوط به ترس مرضی با ۰/۳۶ بوده است. در ایران برای ارزیابی پایایی و اعتبار SCL-90-R، میرزایی (۱۳۵۹) آن را بر روی ۲۲۴۱ آزمودنی شامل بیمار روانی، افراد معتاد و سالم اجرا کرد. مقایسه سنجش‌ها، نتایج مشابهی را با نتایج به‌دست آمده در ایالات متحده نشان می‌دهد. پایایی این آزمون در این بررسی در تمام مقیاس‌ها به استثنای پرخاشگری، ترس مرضی و افکار پارانوئید بیشتر از ۰/۸ بوده که به‌عنوان وسیله سرنده یا تشخیص اختلال‌های روانی در ایران به‌کار می‌رود. لازم به ذکر است در این پژوهش از نمرات افراد در مقیاس شاخص کلی علائم (GSI) به عنوان ملاک آسیب‌پذیری فرد استفاده گردید که عبارت است از: جمع کل ضرایب ناراحتی برای علائم ابعاد نه‌گانه و پرسش‌های اضافی و تقسیم عدد به‌دست آمده بر ۹۰. یک نمونه از پرسش‌های پرسشنامه به این شرح است: «آیا از هفته گذشته تا به امروز احساس تنهایی کرده‌اید؟»

روش اجرا و تحلیل: بعد از انتخاب هر یک از دانشکده‌ها با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، از هر دانشکده نیز افراد نمونه به تعداد مساوی و به صورت تصادفی انتخاب شدند. شیوه انتخاب آنها به این ترتیب بود که در هر دانشکده یک کلاس به صورت تصادفی انتخاب و هدف از تحقیق برای آنها بیان شد و پرسشنامه‌ها به صورت گروهی در اختیار آنان قرار گرفت. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان با استفاده از نرم‌افزار آماری علوم اجتماعی^۴ (SPSS) تحلیل گردید. در این راستا برای بررسی فرضیه‌های ۱ و ۲ پژوهش مبنی بر رابطه بین سبک‌های دلبستگی با آسیب‌پذیری‌های روانی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. به منظور بررسی فرضیه سوم براساس سبک‌های دلبستگی می‌توان آسیب‌پذیری‌های روانی را پیش‌بینی کرد. برای بررسی سؤال

1. Derogotis

3. Minnesota Multiphasic Personality Inventory

2. internal reliability

4. Statistical Package for Social Science

هر دو جنس دارد و سپس به ترتیب سبک‌های دوسوگرا و اجتنابی در هر دو جنس قرار دارند. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بعد پرخاشگری با سبک دلبستگی ایمن رابطه منفی و با سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا رابطه مثبت معنادار دارد. چنین رابطه‌ای در مورد سایر ابعاد مورد بررسی نیز صادق است.

داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که بالاترین میانگین هم برای زنان و هم مردان مربوط به حساسیت بین‌فردی و به ترتیب ۹/۷۶ و ۹/۰۴ است. پایین‌ترین میانگین نیز در هر دو جنس مربوط به بعد خصومت است که در زنان ۵/۱۴ و در مردان ۵/۵۲ گزارش شده است. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود سبک دلبستگی ایمن بیشترین میانگین را در

جدول ۲- بررسی رابطه بین ابعاد مورد بررسی و سبک‌های دلبستگی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون

سبک‌های دلبستگی			متغیرها
دوسوگرا	اجتنابی	ایمن	
*۰/۴۰	*۰/۲۴	*-۰/۱۲	پرخاشگری
*۰/۵۵	*۰/۲۰	*-۰/۱۷	حساسیت بین‌فردی
*۰/۵۳	*۰/۲۱	*-۰/۱۳	روان‌پریشی
*۰/۴۸	*۰/۲۴	*-۰/۱۷	تصورات پارانوئیدی

* $P < 0/05$

جدول ۳- نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه سبک‌های دلبستگی و جنسیت با ابعاد پرخاشگری، حساسیت در روابط بین‌فردی، روان‌پریشی و تصورات پارانوئیدی با روش همزمان

ضرایب رگرسیون				احتمال p	بیشترین Rs	همبستگی چندگانه Mir	شاخص‌های آماری سبک‌های دلبستگی
۴- جنسیت	۳- دوسوگرا	۲- اجتنابی	۱- ایمن				
B= -۰/۰۳ t= -۰/۵۷ p=۰/۵۷	B=۰/۳۷ t=۷/۵۳ p=۰/۰۰۰۱	B=۰/۱۳ t=۲/۲۸ p=۰/۰۲	B= -۰/۰۴۹ t= -۰/۸۷ p=۰/۳۸	۲۰/۰۰ ۰/۰۰۰۱	۰/۱۹	۰/۴۳	خصومت
B=۰/۰۳۸ t=۰/۸۵ p=۰/۴۰	B=۰/۵۴۵ t=۱۲/۱۵ p=۰/۰۰۰۱	B=۰/۰۲۵ t=۰/۴۹ p=۰/۶۳	B= -۰/۱۵ t= -۲/۹۴ p=۰/۰۰۳	۴۳/۶۹ ۰/۰۰۰۱	۰/۳۳۳	۰/۵۷۷	حساسیت در روابط بین‌فردی
B= -۰/۰۶۴ t= -۱/۴۲ p=۰/۱۶	B=۰/۵۲۱ t=۱۱/۴۱ p=۰/۰۰۰۱	B=۰/۰۴۵ t=۰/۸۷ p=۰/۳۹	B= -۱/۳ t= -۲/۵۰ p=۰/۰۱۳	۳۹/۲۸ ۰/۰۰۰۱	۰/۳۱	۰/۵۵۷	روان‌پریشی
B= ۰/۰۲۷ t= ۰/۵۸ p=۰/۵۶	B=۰/۴۶۵ t=۹/۸۸ p=۰/۰۰۰۱	B=۰/۰۸۶ t=۱/۶۰ p=۰/۱۱	B= -۱/۲۷ t= -۲/۳۸ p=۰/۰۱۸	۳۲/۱۴ ۰/۰۰۰۱	۰/۲۶۹	۰/۵۱۸	تصورات پارانوئیدی

۲۰۰۰؛ فوساتی و همکاران، ۲۰۰۳؛ نافتل و شیور، ۲۰۰۶؛ وینگاردز و همکاران، ۲۰۰۷؛ بروماریو و کرنز، ۲۰۰۸؛ ازتورک و متلو، ۲۰۱۰؛ لیو و همکاران، ۲۰۰۹). علاوه بر این در بررسی ابعاد آسیب‌پذیری روانی نیز با نتایج بری، باروکلو و وردن (۲۰۰۷ و ۲۰۰۸) و کوور، میجر و هان (۲۰۱۰) مبنی بر همبستگی منفی سبک ایمن با علایم روان‌پریشی و پارانویا؛ با نتایج پژوهش هورویتز، روزنبرگ، بارتولومئو (۱۹۹۳)، بشارت، گلی‌نژاد و احمدی (۱۳۸۲) مبنی بر همبستگی منفی سبک ایمن با مشکلات بین‌فردی؛ با نتایج موریس، مسترز، مورن و مورن (۲۰۰۴) مبنی بر همبستگی منفی سبک ایمن با خشم/ خصومت و با یافته‌های میکولینسر و همکاران (۱۹۹۹)، موریس، مسترز، ملیک و زوامبگ (۲۰۰۱)، گرلسما و لوتین (۲۰۰۰)، سوچس و سالتا (۲۰۰۸) نیز مبنی بر اینکه افراد دلبسته دوسوگرا نسبت به افراد ایمن و اجتنابی، علایم آسیب‌شناسی روانی بیشتری را نشان دادند، همسو هستند.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت سبک‌های دلبستگی افراد، تعیین‌کننده ویژگی‌های عاطفی و شناختی و راهبردهایی است که واکنش‌های هیجانی را در افراد و روابط بین‌شخصی آنها هدایت می‌کند (کولین، ۱۹۹۶). تحول و سازمان‌دهی این بازنمایی‌های درونی یا الگوهای درونکاری به تفاوت‌های فردی در کیفیت بهداشت روانی منجر می‌شود (بالبی، ۱۹۷۳). تجربه یک رابطه ایمن و حمایت‌کننده با مادر در کودکی، فرد ایمن را قادر می‌سازد تا در روابط خود علاوه بر اینکه به دیگران اعتماد و اطمینان دارد، خود نیز منبع اعتماد و اطمینان دیگران باشد و در واقع مسؤولیت فردی و اجتماعی بالایی برعهده بگیرد و در سختی‌ها و مشکلات انعطاف‌پذیر و مقاوم باشد و راه‌حل‌های مناسبی ارائه دهد. باز بودن ایمن‌ها در گرفتن اطلاعات جدید و تمایل آنها به اصلاح طرحواره‌های خود در صورت ورود اطلاعات جدید (میکولینسر و همکاران، ۱۹۹۹) نیز باعث می‌شود که با تغییرات سازگار شوند و طرح‌های مقابله‌ای واقع‌بینانه‌تری را ایجاد کنند.

افراد دلبسته اجتنابی در رویارویی با شرایط تنش‌زا از راهبردهای حفظ فاصله استفاده می‌کنند و مانع از بروز هر نوع افکار و احساسات منفی در خود می‌شوند (میکولینسر و همکاران، ۱۹۹۹). افراد با سبک دلبستگی اجتنابی به نسبت افراد دوسوگرا یا ایمن توجه کمتری به عواطف و رویدادهای هیجانی دارند (کولینز، ۱۹۹۶) و در طرح‌ریزی رفتار نیز به عوامل شناختی بیش از عوامل هیجانی اهمیت می‌دهند (کولینز و رید، ۱۹۹۴؛ به نقل از مورلی و موران، ۲۰۱۱)، بنابراین نتیجه این دفاع‌ها سیستم‌های روانی «تفکیک شده» (بالبی، ۱۹۸۰؛ به

نتایج تحلیل رگرسیون با روش همزمان (ورود مکرر) در جدول ۳ نشان می‌دهد در صورتی که هر چهار متغیر مستقل وارد شده‌اند، ضریب همبستگی چندگانه (چهار متغیری) برای ترکیب خطی سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی، دوسوگرا و جنسیت با بعد پرخاشگری برابر با $0/43$ است ($P < 0/0001$)، بر این اساس سبک‌های دلبستگی می‌توانند میزان آسیب روانی نسبت به خصومت را پیش‌بینی کنند، زیرا ۱۹ درصد از واریانس متغیر پرخاشگری را پیش‌بینی می‌کنند. ضریب منفی $B = -0/03$ در مورد رابطه سبک‌های دلبستگی و آسیب‌پذیری روانی برحسب جنسیت نشان می‌دهد که این پیش‌بینی‌کنندگی به سود مردان است، ولی این ضریب معنادار نیست. بنابراین رابطه سبک‌های دلبستگی و خصومت در دو جنس برابر است. در مورد متغیرهای دیگر نیز ضریب همبستگی چندگانه (mr) با بعد حساسیت در روابط بین‌فردی برابر با $0/577$ است ($P < 0/0001$). بر این اساس سبک‌های دلبستگی می‌توانند ۳۳ درصد از واریانس متغیر حساسیت بین‌فردی را پیش‌بینی کنند. ضریب همبستگی چندگانه با بعد روان‌پریشی برابر با $0/557$ است ($P < 0/0001$)، بر این اساس سبک‌های دلبستگی می‌توانند ۳۱ درصد از واریانس متغیر پرخاشگری را پیش‌بینی کنند. با بعد تصورات پارانوئیدی برابر با $0/518$ است ($P < 0/0001$)، بر این اساس سبک‌های دلبستگی می‌توانند ۲۶ درصد از واریانس متغیر حساسیت بین‌فردی را پیش‌بینی کنند. همچنین رابطه سبک‌های دلبستگی و ابعاد حساسیت بین‌فردی، روان‌پریشی و تصورات پارانوئیدی نیز در دو جنس برابر است، زیرا ضرایب حاصل معنادار نیست و به این ترتیب جنسیت نمی‌تواند آسیب‌پذیری روانی افراد را پیش‌بینی نماید.

بحث

نتایج این پژوهش نشان داد که سبک دلبستگی آسیب‌پذیری روانی نسبت به پرخاشگری، حساسیت در روابط بین‌فردی، روان‌پریشی و تصورات پارانوئیدی را در دانشجویان پیش‌بینی می‌کند. این یافته همسو با نتایج میکولینسر و همکاران (۱۹۹۹) است، مبنی بر اینکه سبک دلبستگی ایمن به‌طور معکوس با شاخص کلی علایم مرضی رابطه دارد.

هچنین می‌توان گفت این یافته همسو با نتایج بررسی‌هایی است که نشان داده‌اند آزمون‌های دارای سبک ایمن نسبت به هم‌تایان ناایمن خود، سطوح بهزیستی و سلامت روان بیشتری داشتند (کسیدی و شیور، ۱۹۹۹؛ بارتولومئو و هورویتز، ۱۹۹۱؛ برنت، میکولینسر و شیور، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۸؛ گرلسما و لوتین،

آزمایشگری، بیان این فرضیه بود که نیاز دلبستگی، نیاز نخستین است. در نظریه دلبستگی بالبی، رفتار دلبستگی از یک نیاز فطری منتج می‌گردد. مطالعات اینسورث و همکاران (۱۹۷۸)؛ به نقل از وندن درایز و همکاران، (۲۰۰۹) که بر روی ۱۰۶ کودک انجام شد، نشان داد که هیچ تفاوت جنسی در توزیع سبک‌های دلبستگی در موقعیت ناآشنا وجود نداشت و در پژوهش حاضر نیز توزیع سبک‌ها در میان دانشجویان دختر و پسر به صورت یکسان بود و تفاوت معناداری مشاهده نشد، بنابراین با توجه به توزیع مساوی سبک‌های دلبستگی در دو جنس، این احتمال وجود دارد که رابطه سبک دلبستگی با آسیب‌پذیری روانی تحت تأثیر جنسیت قرار نگیرد.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند با هدف تأثیرگذاری بر فرایند شکل‌گیری، تغییر و تحول سبک‌های دلبستگی و آسیب‌پذیری‌های روانی، در خدمت والدین، متصدیان امور تربیتی، متخصصان بالینی و پژوهشگران علاقه‌مند به این زمینه‌ها قرار گیرد و به این ترتیب به تعیین و تغییر راهبردهای پرورشی منتهی گردد.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر مقطعی بودن آن است و همچنین همبستگی مثبت میان متغیرهای مورد بررسی ممکن است ناشی از علت‌های دیگری (وراثت، عوامل اجتماعی - فرهنگی، خلق و خو و غیره) باشد که فقط از طریق بررسی آنها می‌توان نقش هر کدام را در شکل‌گیری آسیب‌پذیری‌های روانی مشخص کرد. همچنین با توجه به محدود بودن جامعه آماری به دانشجویان دانشگاه‌های مختلط شهر تهران، در تعمیم این یافته‌ها به گروه‌های دیگر باید با احتیاط عمل شود.

منابع

- بشارت، م.ع. (۱۳۷۹). *ساخت و هنجاریابی مقیاس دلبستگی بزرگسال [گزارش طرح پژوهشی]*. تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- بشارت، م.ع.، گلی‌نژاد، م.، احمدی، ع.ا. (۱۳۸۲). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و بین شخصی. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، ۸ (۴): ص ۷۴-۸۱.
- حسن‌شاهی، م.م. (۱۳۸۲). بررسی شیوع اختلالات روانپزشکی در شهرستان ارسنجان، *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، ۱۹ و ۲۰: ص ۸۳-۶۷.
- کميجانی، م. (۱۳۸۸). مقایسه سبک دلبستگی در نوجوانان عادی و نوجوانان دارای کم‌توانی ذهنی آموزش‌پذیر. *فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۴۱: ص ۶۹-۹۱.
- میرزایی، ر. (۱۳۵۹). ارزیابی و پایایی و اعتبار آزمون SCL-90-R در ایران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: انستیتو روانپزشکی تهران*.

نقل از برنت، میکولینسر، و شیور، (۲۰۰۸) است که باعث بروز مشکلاتی در سلامت روانی فرد و کارکرد عمومی او می‌شود، چرا که براساس نظریه پردازش اطلاعات نیز بسیاری از آسیب‌های روانی، ناشی از هیجان‌های بلوکه‌شده و ابراز نشده است. افراد دلبسته دوسوگرا نیز دارای مدل‌های درونکاری منفی و نسبتاً انعطاف‌ناپذیر هستند که موجب درماندگی فرد در کنش‌وری‌های مختلف رفتاری می‌شود و در نتیجه فرد راهبردهای غیرکارکردی و غیرواقعه‌بینانه‌ای را برای پردازش افکار و احساسات و ارزیابی‌های خود به کار می‌برد که می‌تواند مانع از انعطاف فرد هنگام بروز مشکلات شود و زمینه ایجاد استمرار آسیب‌پذیری‌های روانی را فراهم سازد. همچنین افراد دارای سبک دلبستگی نایمن در مقابله با افراد ایمن از قدرت اکتشاف‌گری و جوارجویی کمتری برخوردارند (سروفو واترز ۱۹۸۳؛ کسیدی، ۱۹۸۸؛ به نقل از بشارت و همکاران، ۱۳۸۲). اختلال رفتار اکتشاف‌گری در فرایند تحول، جسارت و انعطاف‌پذیری فرد نایمن را تحلیل می‌برد و فرصت‌های آزمونگری و تجربه‌آموزی را از آنها باز می‌ستاند. جوارجویی فعال و بهنجار افراد نایمن اجتنابی نیز در سایه اعتماد نداشتن به دیگران و اختلال رفتار اکتشاف‌گری به شدت کاهش می‌یابد، بنابراین فرد نمی‌تواند مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی مناسب و همچنین راهبردهای مؤثر برای حل مشکلات را فراگیرد و در نتیجه آسیب‌پذیری بیشتری را تجربه می‌کند.

پيامد فرایند دلبستگی ایمن، ایجاد احساس ایمنی در فرد است (کسیدی و شیور، ۱۹۹۹). بنابراین می‌توانیم بگوییم که این سبک دلبستگی منبع ایمنی‌بخش در رویارویی و مقابله با رویدادهای زندگی محسوب می‌شود. دلبستگی ایمن با کنش حمایتی خود، زمینه کسب مهارت‌های اجتماعی، احساس ارزشمندی، احاطه بر محیط، خودهدفمندی و درنهایت احساس استقلال را در فرد ایجاد می‌کند. دلبستگی ایمن یک منبع درونی است که سلامت روان‌شناختی را در طول دوره‌های استرس‌زا حفظ می‌کند، در حالی که نبود منبع ایمن، مشکلات عاطفی را در پی دارد (سوچس و سالتا، ۲۰۰۸). بنابراین با توجه به پژوهش‌های انجام شده در این زمینه می‌توان سبک دلبستگی را به‌عنوان یک متغیر پیش‌بین‌اساسی در آسیب‌پذیری‌های روانی به شمار آورد. در نهایت باید یادآور شد که براساس نتایج پژوهش حاضر، رابطه سبک‌های دلبستگی و آسیب‌پذیری روانی برحسب جنس متفاوت نبود. در پیشینه پژوهش در این خصوص یافته‌ای دیده نشد، اما می‌توان این یافته را این‌گونه تبیین نمود که بی‌همتایی و بدیع بودن مفهوم دلبستگی در نظام بالبی، در عین تکیه کردن بر

- Bartholomew, K., Horowitz, L.M. (1991). Attachment styles among young adults: A Test of a Four-Category Model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61(2), 226-244.
- Berant, E., Mikulincer, M., Shaver, P. (2001). Attachment Style and Mental Health: A 1-Year Follow-Up Study of Mothers of Infants with Congenital Heart Disease. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 27, 956-967.
- Berant, E., Mikulincer, M., Shaver, P. (2008). Mothers' Attachment Style, Their Mental Health, and Their Children's Emotional Vulnerabilities: A 7-Year Study of Children with Congenital Heart Disease. *Journal of Personality*, 76(1), 31-66.
- Berry, K., Barrowclough, C., Wearden, A. (2007). A review of the role of adult attachment style in psychosis: Unexplored issues and questions for further research. *Clinical Psychology Review*, 27, 458-475.
- Berry, K., Barrowclough, C., Wearden, A. (2008). Attachment theory: A framework for understanding symptoms and interpersonal relationships in psychosis. *Behavior Research and Therapy*, 46, 1275-1282.
- Besser, A., Priel, B. (2005). The Apple Does Not Fall Far From the Tree: Attachment Styles and Personality Vulnerabilities to Depression in Three Generations of Women. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31, 1052-1073.
- Bowlby, J. (1973). *Separation, anxiety and anger*. IN: Attachment and loss, Vol.2. New York: Basic Books.
- Brumariu, L.E., Kerns, K.A. (2008). Mother-child attachment and social anxiety symptoms in middle childhood. *Journal of apply developmental Psychology*. 29(5), 393-402.
- Cassidy, J. (1999). *The Nature of the child's Ties*. In Cassidy and Shaver, Handbook of attachment, theory and research and clinical applications, New York: Guilford Press.
- Cassidy, J., & Shaver, P.R. (1999). *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications*. New York: The Guilford Press.
- Collin, V.L. (1996). "Human Attachment". The McGraw - Hill companies, Inc.
- Collins, N.L. (1996). Working models of Attachment: Implication for explanation, emotion and behavior. *Journal of personality and social psychology*, 74(5), 1380-1397.
- Derogotis, L.R. (1983). *SCL-90-R administration, scoring & procedures: Manual-II*. Printed in U.S.A.
- Fossati, A., Feeney, J.A., Donati, D., Donini, M., Novella, L., Bagnato, M., Leonardi, B., Mirabelli, s. (2003). Personality disorders and adult attachment dimensions in a mixed psychiatric sample: a multivariate study. *Journal of nervous mental disease*, 191, 30-37.
- Garmezy, N. (1983). *Stressors of childhood*. In N. Garmezy & M. Rutter (Eds.), Stress, coping, and development in children (pp. 43-84). New York: McGraw-Hill.
- Gerlsma, C., Luteijn, F. (2000). Attachment style in the context of clinical and health psychology: a proposal for the assessment of valence, incongruence, and accessibility of attachment representations in various working models. *British journal of medical psychology*, 73, 15-34.
- Horowitz, L.M., Rosenberg, S.E & Bartholomew, K. (1993). Interpersonal problems, attachment styles and outcome in brief dynamic psychotherapy. *Journal of consulting and clinical psychology*, 61, 548-560.
- Korver, N., Meijer, C., and Haan, L.D. (2010). The relationship between insecure attachment and psychotic symptoms: preliminary results. *Schizophrenia Research*, 117(2-3), 521.
- Liu, Q., Nagata, T., Shono, M., Kitamura, T. (2009). The effects of adult attachment and life stress on daily depression: a sample of Japanese university students. *Journal of Clinical Psychology*, 67, 639-652.
- Manassis, K., Bradley, S., Goldberg, S., Hood, J., & Swenson, R.P. (1994). Attachment in mothers with anxiety disorders and their children. *Journal of the American Academy of child and Adolescent Psychiatry*, 33, 1106-1113.
- Merz, M.E., Consedine, N.S. (2009). The association of family support and wellbeing in later life depends on adult attachment style. *Attachment & Human Development*, 11(2), 203-221.
- Mikulincer, M., Horesh, N., Eilati, I., & Kotler, M. (1999). The association between adult attachment style & mental health in extreme life-endangering conditions. *Personality & individual Differences*, 27, 831-842.
- Morley, T.E., Moran, G. (2011). The origins of cognitive vulnerability in early childhood: Mechanisms linking early attachment to later depression. *Clinical Psychology Review*, 31(7), 1071-1082.
- Muris, P., Meesters, C., Morren, M., Moorman, L. (2004). Anger and hostility in adolescents: Relationships with self-reported attachment style and perceived parental rearing styles. *Journal of Psychosomatic Research*, 57, 257-264.

- Muris, P., Meesters, C., Melick, M., Zwambag, L. (2001). Self-reported attachment style, attachment quality, and symptoms of anxiety and depression in young adolescents. *Personality and Individual Differences*, 30, 809-818.
- Noftle, E.E & Shaver, P.R. (2006). Attachment dimensions and the big five personality traits: Associations and comparative ability to predict relationship quality. *Journal of research in personality*, 40, 179-208.
- Ozturk, A., Mutlu, T. (2010). The relationship between attachment style, subjective well-being, happiness and social anxiety among university students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 9, 1772-1776.
- Rutter, M. (1999). Resilience concepts and findings: Implications for family therapy. *Journal of Family Therapy*, 21, 119-144.
- Shaver, P.R., Schachner, D.A., & Mikulincer, M. (2005). Attachment style, excessive reassurance seeking, relationship processes, and depression. *Personality and social Psychology Bulletin*, 31, 343-359.
- Sochos, A., Tsalta, A. (2008). Depressiogenic cognition and insecure attachment: A motivational hypothesis. *International Journal of psychology and psychological therapy*, 8(2), 157-170.
- Van den Dries, L., Juffer, F., van Ijzendoorn, M.H., Bakermans-Kranenburg, M.J. (2009). Fostering security? A meta-analysis of attachment in adopted children. *Children and Youth Services Review* 31, 410-421.
- Wijngaards, d.m., Stroebe, M., schut h.k., Stroebe, w., Dijkstra, i. (2007). Patterns of attachment and parents adjustment to the death of their child. *Personality and social psychology Bulletin*, 33(4), 537-548.